

متن پرسش

سلام و خدا قوت خدمت استاد محترم. من دختر و دانشجو پزشکی هستم. استاد؛ من کتاب زن آنگونه باید باشد، شما را مطالعه کردم و حقیقتا استفاده کردم و از شما متشکرم. من مدتی هست در زمینه شخصیت زن و حقوق آن مطالعاتی رو مشتاقانه انجام میدم، چیزی که بنده رو به این سمت سوق داد شبهاتی بود که به واسطه خواندن نهج البلاغه در باب زن در من ایجاد کرد!!! دنبال شبهاتم رفتم خدا رو شکر پاسخ همه اش را گرفتم واقعا لازم می دیدم به عنوان یک دختر مسلمان بیشتر در باب شخصیت زن و حقوقش بدانم و از حقوق خود درباره ی افراد نادانی که از برتری مرد بر زن می گویند با تکیه بر دین عزیزم اسلام از حقوقم دفاع کنم و وظایف خودم را به عنوان زن در پیمودن مسیر کمال بهتر بدانم. کتابهایی مثل کتاب شهید مطهری در باب زن، مجموعه سخنرانی های رهبری درباره زنان و کتاب های پرسش و پاسخ های دانشجویی درباره زن رو مطالعه کردم البته کتابهای دیگری هم در برنامه دارم برای مطالعه. مثل کتاب آیت الله جوادی آملی و... ولی هنوز یک نگرانی در من باقی هست واقعا قبول دارم و می دانم وظیفه اصلی زنان که مطابق با فطرت آنها و در راستای کمال واقعی و آرامش خود آنهاست خانواده داری شان هست همسر داری و تربیت فرزندان. زن وظیفه اصلی اش انسان سازی هست تربیت نسل هست که وظیفه ای بسیار مهم و ارزشمند هست. ولی خوب زنان در جامعه کنونی وظیفه اجتماعی هم بر دوش دارند _ پس وظیفه اجتماعی شان چه؟؟؟؟ مقاله هایی که در باب اشتغال زنان می خوانم در بالای ۹۰ درصد محتوای مقاله از نکات منفی اشتغال می گویند گاهی به اشتباه در درونم القا می شود اصلا اشتغال و فعالیت اجتماعی شان گناه هست مثل اینکه!!! در سخنان حضرت آقا بارها با افتخار از حضور زنان در عرصه های مختلف اجتماعی و... کشور یاد شده بالاخره نصف جمعیت کشور زنان هستند حضورشان در عرصه های اجتماعی لازم هست مخصوصا در مسایل مربوط به خودشان در اجتماع. مثلا آیا ما پزشک زن، معلم زن، پرستار زن و... که حداقل نیاز های خود جامعه زنان را رفع کنند نیاز نداریم؟؟؟؟ شخص محترمی می گفتند ولی خوب این دلیل نمی شود زن خانواده خودش و فرزندان و همسرش و در یک کلام زندگی اش را برای دیگران فدا کند! می گویند باید شغل زن به خانواده ش لطمه نزند، ما لطمه به زندگی را دقیقا چه تعریف می کنیم؟ لطفا با ذکر مثال هایی بفرمایید! مثلا کسی که پرستار هست و این شغل شیفت شب را ایجاب می کند چه کند؟؟؟ شغلش را رها کند؟ پس اگر هر زن مومنی اینگونه بیاندیشد پس پرستار زن متدین و مومن نباید داشته باشیم. یا پزشکان زن که واقعا شغل های سخت و پرمشقتی دارند. مثلا یک پزشک زن یا پزشک زن قلب یا و... من با مشاوره مشورت می کردم نگرانی مرا که دید گفت برای تخصص

سراغ تخصصی برو که شیفت شب نداشته باشه مثل پزشک خانواده یا سونوگرافی!!! با خودم فکر کردم بالاخره آیا نباید پزشک مربوط به بیماری های زنان داشته باشیم؟ پس چه زانی باید سراغ این تخصص ها بروند؟! واقعا گاهی نا امیدی به سراغم می آید احساس نگرانی. من همیشه دوست داشتم در عین اینکه همسر و مادر خوبی باشم و یه بنده خوب و مومن به خدایم، به کشورم و مردمم صادقانه خدمت کنم گره ای را باز کنم دوست داشتم پزشک زنان و زایمان بشوم دوست داشتم پزشکی اسلامی را اجرا کنم ولی حالا درونم پر از تضاد هست. گاهی فکر می کنم این آقایان متدینی که تماما اشتغال زنان را می کوبند یا با اکراه زیاد سخن می گویند حاضر می شوند کوچکترین کار پزشکی همسرشان مثل آمپول یا سرم زدن را یه آقا انجام دهد!! استاد خواهش می کنم کمک کنید. خیلی به کمکتون نیاز دارم. من می خواهم زندگی الهی داشته باشم رضایت خداوند متعال از هر چیز مهم تر هست. خیلی ممنونم از شما. ببخشید از اطاله کلام ولی خوب نگرانی و درد و دل بنده بود. خدا قوت. یا علی مدد. التماس دعا زیاد.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: بنده سعی کردم در کتاب «زن؛ آن گونه که باید باشد» روشن کنم که زنان باید متوجه حفظ عالمی که برای تربیت فرزند و حفظ فضای توحیدی خانه نیاز است، باشند و این را در فضای زندگی امروزی تعریف کنند و نه در فضای زندگی چهارصدسال گذشته. بنابراین می شود پزشک فعالی بود و شیفت شب هم داشت ولی آن عالم را حفظ کرد، همان طور که عارفان بالله در عین حضور در عالم کثرات، حضور خود با خدا را نگه می دارند. هنوز هم معتقدم «زن؛ گمشده ی تاریخ ما است» و لذا باید یا راه برگشت به گذشته را در مقابل او قرار دهیم و یا راه تقلید از زندگی زنان غربی را، و مطمئن باشید این دو راه راه های شکست انقلاب اسلامی را به همراه می آورد. کتاب «زن؛ آن گونه که باید باشد» را به این امید نوشتم که ما از این بن بست نجات یابیم. موفق باشید